

مطالعه تطبیقی نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی توسط نهادهای بیرون از شرکت در حقوق ایران و انگلیس

محسن غنی*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۳

چکیده

شیوه نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی در حقوق داخلی ایران همانند حقوق فرانسه درون‌شرکتی است و نظارت بیرون‌شرکتی جز در شرکت‌های تعاونی که وزارت تعاون بر آنان نظارت می‌کند، در حقوق داخلی مصداق ندارد. در مقابل، در نظام حقوق انگلیس به علت آنکه موضوع واگذاری نظارت به سهام‌داران نتوانست به نحو مطلوبی مانع از سوءاستفاده مالی مدیران شود، دو نوع شیوه نظارتی پیش‌بینی شد. یکی نظارت از درون شرکت و دیگری نظارت از بیرون شرکت که توسط نهادهای دولتی متعددی همچون وزارت تجارت و صنعت و سازمان بورس اوراق بهادار این کشور انجام می‌شود و این نهادها عهده‌دار امر نظارت بر امور شرکت‌ها شده‌اند و در راستای انجام هرچه بهتر وظایف محوله، قانون‌گذار سعی کرده اختیارات وسیعی اعم از اداری و قضایی نیز به آن‌ها اعطاء نماید. در این مقاله تلاش شده تا تحولات نهاد بازرسی شرکت‌های تجاری در نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان:

بازرسی شرکت‌های تجاری، نظارت از درون شرکت، نظارت از بیرون شرکت، نهادهای نظارتی

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

مقدمه

در شرکتهای سهامی عام که بخش اعظم سرمایه از طریق مراجعه به عموم مردم تامین می‌شود، معمولاً سهام‌داران شرکت به دلایل مختلف از جمله تخصصی بودن امر نظارت بر شرکت‌ها، پرهزینه بودن مسئله مدیریت شرکت‌ها و مانند آن، نظارت و کنترل مؤثری نسبت به فعالیت مدیران شرکت‌ها ندارند و این امر زمینه تجاوز و سوءاستفاده احتمالی مدیران از اختیارات خود را افزایش داده است؛ چراکه مستند به ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، قانون‌گذار به مدیران اختیارات تام و وسیعی در راستای اداره شرکت اعطاء نموده و این اختیار گسترده در صورتی که با نظارت دقیق اشخاص متخصص همراه نباشد، بدون تردید خطرناک است و زمینه را برای وسوسه و سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران مهیا خواهد کرد که نتیجه فراهم شدن چنین شرایطی بی‌شک سلب اعتماد عمومی به سرمایه‌گذاری در این گونه شرکت‌ها و متقابلاً حاکم شدن رکود و بیکاری بر جامعه خواهد بود. مجموعه‌ای از این دلایل سبب شده که در اکثر نظام‌های حقوقی نوین و حتی نظام‌های اقتصادی مبتنی بر اقتصاد آزاد، مانند نظام حقوقی انگلیس، سعی شود به منظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی، نهادهای دولتی متعددی همچون وزارت صنعت و تجارت،^۱ DTI، یا سازمان بورس اوراق بهادار، SIB^۲، بر امور شرکت‌ها بازرسی و نظارت داشته باشند و مالکیت سهام و معاملات اوراق بهادار در قانون پیش‌بینی شود. این تحولات در حالی تحقق یافت که در کشوری مانند ایران که به حکم صریح اصل ۴۴ قانون اساسی، اقتصاد خصوصی مکمل و تابعی از اقتصاد دولتی محسوب می‌شود، نظارت دولت بر شرکتهای تجاری خصوصی به رسمیت شناخته نشده و گرایشی نیز در این زمینه دیده نمی‌شود و نظارت نهادهای دولتی فقط محدود به شرکتهای دولتی است که از جمله آنها می‌توان به نهادهای دولتی مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات اشاره نمود که نظارت بر عملیات مالی کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی را برعهده دارند. با این حال با توجه به اینکه کارکرد نظریه نظارت بر شرکت، از طریق سهام‌داران دارای نفع مستقیم در سود و زیان شرکت، در جامعه کنونی که بازرسی امری تخصصی و فنی است،

1. Department of Trade and Industry
2. The securities and investment Board.

نظریه‌ای متروک شده است. از این رو شایسته است دولت‌ها به منظور بازگرداندن اعتماد مردم به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تجاری و جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک جامعه که می‌تواند زمینه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های کلان کشور محسوب شود، نظارت خود را بر این‌گونه شرکت‌ها افزایش داده و به مدد استفاده از بازرسان متخصص، راه هرگونه سوءاستفاده احتمالی را از مدیران سلب نمایند. شاید بتوان گفت که قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح، به‌عنوان حسابدار رسمی، مصوب ۱۳۷۲ و آئین‌نامه تبصره ۴ این قانون مصوب ۱۳۷۹ و نقش نظارتی وزارت تعاون در شرکت‌های تعاونی را نوعی چراغ سبز قانون‌گذار برای سوق‌یافتن به سمت نظام بازرسی بیرون‌سازمانی تلقی کرد؛ اما به نظر ما این قانون هرگز آن‌گونه که باید و شاید مقصود ما را از انتظاری که از سیستم نظام بازرسی بیرون شرکت دنبال می‌کنیم، تأمین نکرده و تنها نقطه عطفی برای ورود و به‌رسمیت‌شناختن سیستم نظارت بیرون‌شرکتی به حساب می‌آید و با سیستم نظارت بیرون‌شرکتی، که در نظام حقوقی انگلستان حاکم است، فاصله زیادی دارد. بنابراین با توجه به مطالبی که آورده شد، ما در این پژوهش تلاش خواهیم کرد تا حد امکان سیستم نظارتی بیرون‌سازمانی حاکم بر حقوق انگلیس را تشریح کنیم و با حقوق داخلی کشورمان تطبیق داده و مزایا و معایب حاکم بر این ساختار نظارتی را تبیین نماییم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که اساساً سیستم نظارتی بیرون‌شرکتی که اکثر نظام‌های حقوقی به‌طور آهسته در حال حرکت به سمت آن هستند، قابلیت اعمال در حقوق داخلی ایران را دارد یا خیر و اگر پاسخ مثبت است روش‌ها و راهکارهای پیاده‌کردن این نوع نظارت بیرون‌شرکتی کدام‌اند؟ پاسخ به این سوالات محور اصلی این مقاله است که فرض ما بر آن است که در حقوق داخلی ایران، حداقل در شرکت‌هایی که تعداد اعضای آنها قابل توجه است، می‌توان با تدوین قواعد نظارتی بیرون‌سازمانی، از مزایای این سیستم نظارتی بهره‌مند شد و از این طریق سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران را که بدون شک در نتیجه ضعف سیستم نظارتی رخ می‌دهد، به حداقل ممکن رساند.

نگارنده سعی کرده با روشن کردن زوایای تاریک سیستم نظارتی حاکم بر شرکت‌های تجاری داخلی، نقایص موجود را تشریح کند و با کمک رویه موجود در نظام حقوقی انگلستان، راهکارهایی را در خصوص به‌حداقل‌رساندن سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران که بدون شک

در نتیجه ضعف سیستم نظارتی حاکم بر شرکت‌های تجاری رخ می‌دهد، را ارائه نماید که در این راستا فرضیه ما بر این اساس استوار خواهد بود که می‌توان با تدابیر حقوقی لازم در کنار سیستم نظارتی درون شرکتی، سیستم نظارتی برون شرکت را نیز در سیستم حقوقی کشورمان نهادینه و از مزایای آن در امر شفاف سازی سیستم های مالی و غیر مالی شرکت های تجاری منتفع گردید.

۱. روش‌های نظارت بر عملکرد مدیران در شرکت‌های تجاری

روش‌های نظارتی حاکم بر شرکت‌های تجاری در انواع مختلف شرکت‌ها متفاوت است و قانون‌گذار ایرانی سعی کرده به طرق مختلف و با وضع قوانین و مقررات مختلف از سوءاستفاده‌های احتمالی که ممکن است مدیران در امر اداره شرکت مرتکب آن شوند، جلوگیری نماید. این روش‌های نظارتی اول نسبت به شرکت‌های مختلف و ثانیاً در حقوق ایران و انگلیس موضوعی متفاوت است که سیستم‌های حقوقی این دو کشور هر کدام بنا بر ضرورت‌های مختلف از روش‌های متفاوتی در امر نظارت بر شرکت‌های تجاری استفاده کرده‌اند. بررسی شرکت‌های تجاری مورد بحث و روش‌های نظارتی حاکم بر این نوع شرکت‌ها موضوعی است که در این مبحث به آن می‌پردازیم و برای رسیدن به این مقصود بند اول را به انواع شرکت‌های تجاری و بند دوم را به روش‌های نظارتی حاکم بر شرکت‌های تجاری اختصاص خواهیم داد.

۱.۱. انواع شرکت‌های تجاری

مقدمه ورود به بحث اصلی آن است که ما ابتدا نوع شرکت موضوع بحث را مشخص کنیم تا بعد از آن بتوانیم بر مبنای شناختی که از نوع شرکت کسب می‌کنیم، به مقایسه نظام نظارتی حاکم بر شرکت‌های تجاری بپردازیم. قانون‌گذار ایرانی بدون ارائه تعریفی جامع و مانع از شرکت‌های تجاری، صرفاً از طریق بر شمردن انواع شرکت‌های تجاری در ماده ۲۰ قانون تجارت و صرف نظر از ماهیت عملیات تجاری که انجام می‌دهند، سعی کرده خود را از ارائه هر تعریفی از شرکت‌های تجاری بی‌نیاز کند. از میان شرکت‌های تجاری احصاء شده در ماده ۲۰، قانون‌گذار تنها نظارت نهاد بازرسی را در خصوص شرکت‌های سهامی عام و خاص الزام‌آور دانسته و در لایحه اصلاحی، مواد ۱۴۴ تا ۱۵۶ را به این موضوع اختصاص داده است و دیگر شرکت‌ها به جز

۱. بهرامی، بهرام، حقوق تجارت کاربردی، انتشارات نگاه بینه، ص ۳۲. سال ۱۳۸۵

شرکت مختلط سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود که قانون‌گذار بیش از دوازده‌نفره بودن اعضاء هیئت نظارت را الزام‌آور دانسته، دیگر شرکت‌ها را در امر بازرسی مختار گذاشته است. در همین راستا قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ و با آگاهی از ناکارآمد بودن سیستم نظارتی درون‌شرکتی، در اقدامی قابل دفاع برای اولین بار نهاد نظارتی بیرون‌شرکتی را در خصوص شرکت‌های تعاونی به رسمیت شناخت. در این قانون و در کنار پذیرفتن نظام نظارتی درون‌شرکتی که توسط بازرسان شرکت صورت می‌گیرد، سیستم نظارتی بیرون‌شرکتی را که در نظام حقوقی انگلستان از سالیان قبل وجود داشته است، برای اولین بار وارد شرکت‌های تعاونی نمود و فصل یازدهم این قانون یعنی مواد ۶۵ به بعد را به نقش نظارتی وزارت تعاون نسبت به شرکت‌های تعاونی اختصاص داد. در این قانون صراحتاً در بند ۱۷ و ماده ۶۶ در تبیین حدود وظایف و اختیارات وزارت تعاون تصریح شده که این وزارتخانه حق دارد در صورت احراز تخلف در اداره امور شرکت‌ها یا اتحادیه‌های تعاونی، مراتب را به دادگاه‌های صالح اعلام کند و دادگاه موظف است در رسیدگی مقدماتی خارج از نوبت و در صورت احراز تخلف، حکم تعلیق مدیران شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی یادشده را صادر نماید. همچنین به این وزارتخانه این اختیار داده شده است که از فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی که به هر نحو از نام یا عنوان تعاونی سوءاستفاده می‌کنند ممانعت به عمل آورد. با توضیحات ارائه شده مشخص می‌شود با توجه به آنکه قانون‌گذار تمایلی به نظارت بر شرکت‌های تجاری غیرسهامی و تعاونی ندارد و تنها تمرکز قانون‌گذار روی این دو نوع شرکت است، لذا محدوده بحث این نوشتار نیز حول محور شرکت‌های سهامی و تعاونی است و سعی خواهد شد که نحوه نظارت در این شرکت‌ها که طبیعتاً و باتوجه به نوع و ماهیت خاص آنها تعداد افراد بیشتری از جامعه را درگیر خود می‌کنند، با حقوق شرکت‌های تجاری و قواعد حاکم بر این شرکت‌ها در نظام حقوقی انگلیس مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد.

در نظام حقوقی انگلیس، شرکت‌های تجاری به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. شرکت‌های ثبت‌شده مطابق قانون شرکت‌ها، ۱۹۵۸، و شرکت‌های ثبت‌نشده. از آنجایی که شرکت‌های ثبت‌نشده موضوع بازرسی شرکت‌های تجاری نیستند، تمرکز اصلی ما در بررسی نظام بازرسی در

شرکت‌های انگلستان، روی شرکت‌های ثبت‌شده است که به موجب پاره ۲ بند ۱ ماداً ۱ قانون شرکت‌های ۱۹۸۵ به سه نوع تقسیم شده‌اند؛ این سه نوع شرکت عبارت‌اند از^۱ :

الف) شرکت‌هایی با مسئولیت محدود بر اساس سرمایه
 ب) شرکت‌هایی با مسئولیت محدود به موجب ضمانت و تعهد صورت گرفته
 ج) شرکت‌های با مسئولیت نامحدود.

۱.۲. روش‌های نظارتی و ضرورت‌های آن

ضرورت بازرسی و نظارت بر عملکرد مدیران در شرکت‌های تجاری موضوع بسیار مهم و بااهمیتی است که قانون‌گذار سعی نموده به روش‌های مختلف و با تدوین قوانین و مقررات مختلف مانع از هرگونه سوءاستفاده احتمالی مدیران شود و هرگز اجازه ندهد که مدیران احساس رها بودن بدون هیچ سیستم نظارتی را در ذهن خود پرورش دهند و متقابلاً قانون‌گذار به امید همین سیستم نظارتی که پیش‌بینی می‌کند، با خیال آسوده‌تری اختیاراتی مانند صدور اسناد تجاری، انعقاد قرارداد و تهیه و تنظیم بیلان مالی و غیره را که می‌تواند مسئولیت‌های فراوانی برای شرکت داشته باشد، به مدیران اعطاء می‌کند^۲، اما آنچه که مسلم است این که همان‌گونه که احتمال انحراف مدیران و سوءاستفاده‌های احتمالی آنها از اختیارات تفیذی امری غیرقابل اجتناب است، همان دلایل برای انحراف از مسیر صحیح توسط بازرسان منتخب شرکت نیز وجود داشته و محتمل است. بنابراین تدوین قوانین و مقررات نظارتی دقیق‌تر از آنچه که هست، به گونه‌ای که احتمال انحراف بازرسان و مدیران را به حداقل ممکن برساند، امری لازم و ضروری بوده و همین مهم سبب به‌وجود آمدن دو نوع سیستم نظارتی شده است. سیستم نظارتی درون‌شرکتی که کشور ایران با تعصب خاصی آن را دنبال می‌کند و سیستم نظارتی برون‌شرکتی که برخی از کشورهای دارای اقتصاد متکی بر اقتصاد آزاد، آن را وارد قلمرو قانون‌گذاری خود نموده‌اند. کشور انگلستان نمونه بارزی است که به خوبی سعی کرده در کنار سیستم نظارتی درون‌شرکتی، سیستم نظارتی برون‌شرکتی را نیز تدوین نماید و تا حد امکان از هرگونه

۱. پاسبان، محمدرضا، بازمینی نظام بازرسی در شرکت‌های تجاری ایران بررسی تطبیقی با حقوق انگلستان، فصلنامه حقوق و سیاست، ص ۸۸.

۲. عرفانی، محمود، حقوق تجارت به زبان ساده، چاپ نهم، انتشارات نشر میزان، ص ۵۲.

سوءاستفاده احتمالی که ممکن است مدیران یا حتی بازرسان شرکت مرتکب شوند، جلوگیری بعمل آورده است.

سیستم نظارتی دوگانه بر عملکرد مدیران و پیش‌بینی نهادهای نظارتی بیرون از شرکت در کنار نظام نظارتی درون‌شرکتی می‌تواند مزایایی با خود به همراه داشته باشد و مجموعه این امتیازات و غلبه بر معایب آن سبب شده که کشور انگلستان در کنار نظام نظارتی درون‌شرکتی، نظام نظارتی بیرون‌شرکتی را به رسمیت بشناسد و مجموعه‌ای از این دلایل که در ادامه خواهد آمد، قانون‌گذار ایرانی را مجاب نموده که در سال ۱۳۷۰ قوانین شرکتهای تعاونی را تدوین کند. نیم‌نگاهی به سیستم نظارتی بیرون از شرکت داشته و سعی نمود که با اعطای مجوز به وزارت تعاون، تاحدودی بر عملکرد مدیران در شرکتهای تعاونی نظارت نماید. درحالی‌که از سوی قانون‌گذار انعطاف‌هایی در زمینه نهادینه کردن سیستم نظارتی بیرون از شرکت در شرکتهای تعاونی شکل گرفته بود و تا حدودی جامعه حقوقی را امیدوار به ورود نظام نظارتی بیرون از شرکت در سایر شرکتهای تجاری کرده بود، متأسفانه قانون‌گذار در پیش‌نویس جدید لایحه قانون تجارت، که در دست تدوین است، مجدداً از این رویکرد خود عدول نموده و تنها به احیاء سیستم نظارتی درون‌شرکتی بسنده کرده و تمایلی به نظام نظارتی بیرون‌شرکتی از خود نشان نداده است. خلاصه آنکه دیدگاهی که در گذشته وجود داشته و بر مبنای آن سهام‌داران و شرکای شرکت به علت تعارض منافع، بهتر از هر شخص دیگری می‌توانند اقدامات مدیران را تحت نظر قرار دهند و به‌خوبی می‌توانند از حقوق و منافع خود و سایر شرکا دفاع کنند، محکوم به رد است، چرا که امروزه تخصصی بودن موضوع و فنی بودن بسیاری از امور نمی‌تواند روش موثری برای جلوگیری از تجاوزات و سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران با استفاده از اختیارات وسیع اعطایی باشد و در نتیجه وجود نهاد نظارتی بیرون از شرکت که تخصص لازم را در تمام زمینه‌های مطروحه داشته باشد، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا اولاً در شرکتهای سهامی عام و تعاونی که گاهی تعداد سهام‌داران آن بیش از صدها هزار نفر می‌شود، یک سهام‌دار جزء نه تنها انگیزه چندانی برای اعمال نظارت مستمر و صرف زمان زیاد برای امر بازرسی ندارد، بلکه از لحاظ مادی نیز سود یا زیان قابل ملاحظه‌ای از مجموعه تحت نظارت، شامل حال او نمی‌شود تا باعث افزایش انگیزه برای نظارت دقیق و مستمر گردد. ثانیاً به فرض تمایل به نظارت دقیق و مستمر، باتوجه به اینکه

موضوعات بازرسی و نظارت امری تخصصی و فنی است، لذا اجرای دقیق بازرسی توسط این گونه بازرسان از مصادیق بارز قاعده فقهی تکلیف بما لایطاق بوده و نمی تواند مقصود اصلی از نهاد بازرسی را که همان نظارت دقیق بر عملکرد مدیران و جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی آنان است، دنبال نماید. بنابراین با مجموعه ای از این دلایل، چاره ای نیست جز آنکه در حقوق داخلی کشور در کنار سیستم سنتی درون شرکتی، نظام بازرسی برون شرکتی را حداقل برای شرکتهایی که تعداد اعضای آنها مثلاً بیش از پانصد نفر است یا یک پنجم سهام داران یا صاحبان ده درصد سرمایه خواستار هستند، امر نظارت برون شرکتی را لازم و ضروری تلقی کنیم و قوانینی را در این زمینه تدوین نماییم.

۲. قواعد حاکم بر نظارت بر شرکتهای تجاری در نظام حقوقی ایران و انگلیس

همان طور که در مباحث پیشین آمده است، روش های نظارتی حاکم بر شرکتهای تجاری به دو دسته کلی تقسیم می شود. روش نظارتی درون شرکتی و روش نظارتی بیرون شرکتی که سیستم های حقوقی مختلف بسته به شرایط حاکم بر کشور، یکی از این دو روش یا هر دو را در کنار یکدیگر به منظور نظارت بهتر بر عملکرد مدیران در نظر می گیرند. بررسی سیستم نظارتی اعمال شده در نظام حقوقی ایران و انگلستان موضوع این مبحث است که در ادامه تشریح خواهد شد. برای رسیدن به این مقصود در بند اول، سیستم نظارتی حاکم بر نظام حقوقی ایران و در بند دوم سیستم نظارتی حاکم بر نظام حقوقی انگلستان را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲.۱. روش نظارتی در نظام حقوقی ایران

برای تبیین شیوه های نظارتی حاکم بر شرکتهای تجاری در نظام حقوقی ایران و به علت تفاوت در شیوه های نظارتی حاکم بر شرکتهای دولتی و خصوصی، این بند را به دو بخش تقسیم می کنیم؛ در بخش اول روش نظارتی بر شرکتهای خصوصی و در بخش دوم روش نظارتی بر شرکتهای دولتی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲.۱.۱. نظارت بر شرکت‌های خصوصی

قانون‌گذار ایرانی اصل و اساس شیوه نظارتی خود را بر مبنای نظریه «رکنیت»^۱، سیستم نظارتی درون شرکتی قرار داده و سعی نموده نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های خصوصی را برعهده شرکایی قرار دهد که به علت تعارض منافع در شرکت، بدون تردید بهتر و دقیق‌تر از هر شخص و نهادی می‌توانند به بازرسی و نظارت بر عملکرد مدیران اقدام کنند. اگرچه این دیدگاه و استدلال در سال‌های دور پشتوانه فکری محکمی داشت، ولی امروزه به نظر می‌رسد با توجه به تخصصی‌شدن اکثر علوم و نیز تخصصی‌شدن معاملات تجاری و حسابرسی در آنها، دیگر این روش سنتی نمی‌تواند منافع شرکا و سهام‌داران را به نحو مطلوب تأمین کند. همین امر قانون‌گذار ایرانی را ملزم به تفکر بیشتری پیرامون موضوع نمود و در نهایت باعث شد در کنار سیستم نظارتی و ناکارآمد درون شرکتی، به طور جسته‌و‌گریخته و بدون آنکه بخواهد به طور قاعده‌مند اقدام به شناسایی سیستم نظارتی بیرونی برای تمام شرکت‌های خصوصی نماید، فقط در برخی از شرکت‌ها از جمله شرکت‌های تعاونی، سیستم‌های نظارتی بیرون شرکتی را به رسمیت بشناسد و تا به امروز کم‌وبیش از منافع آن بهرمنند شده است. اگرچه تدوین مقررات نظارتی بیرون شرکتی با این شکل و شمایل به نظر ما هرگز نمی‌تواند از مصادیق سیستم نظارتی بیرون شرکتی با ماهیتی که در نظام حقوقی انگلستان سرخ داریم تلقی شود، ولی تا همین میزان نرمش و انعطاف هم از نظر ما مفید است و می‌تواند در آینده با جدیت بیشتری مورد بررسی کارشناسانه قرار گیرد. بنابراین در پاسخ به این پرسش که آیا نظام حقوقی ایران نظام کنترل خارج از شرکت را در حقوق داخلی به رسمیت شناخته است یا خیر، باید گفت که لازمه پاسخ به این پرسش آن است که ابتدا بین شرکت‌های دولتی و خصوصی تفکیک قائل شویم. در نتیجه باید گفت که در شرکت‌های خصوصی برخلاف شرکت‌های دولتی، سیستم نظارتی بیرونی مفهومی بیگانه است، چرا که به نظر ما سیستم نظارتی بیرونی شیوه‌ای از بازرسی شرکت‌ها است که در انتخاب یا نصب و چگونگی عملکرد آن هیچ یک از شرکا نقشی نداشته و رکنی از ارکان شرکت نیز تلقی نمی‌شود. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران فرض بر این است که باید مرز و حدود میان شرکت‌های دولتی و خصوصی را حفظ نمود و دولت را از مداخله در امور شرکت‌های

۱. تفرشی، محمد عیسی، مباحثی از حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸، صص ۹۳-۹۱.

خصوصی منع کنیم و منافع سهام‌داران این‌گونه شرکت‌ها را از طرق سپردن امر بازرسی به بازرسان منتخب سهام‌داران، تامین نمود. امری که در حال حاضر در همه شرکت‌های خصوصی حکم‌فرما است و به‌علت همان مباحث صلاحیتی، متأسفانه چون نهادهای نظارتی بی‌طرف‌حق ورود و تحقیق و تفحص در این شرکت‌ها را ندارند، همواره موضوع بازرسی این شرکت‌ها با چالش‌های جدی فراوانی همراه است، که موسسات مالی مجاز و غیرمجاز و همچنین مجموعه پدیده‌های شاندیز که اکنون دولت از محل بیت‌المال مجبور به پرداخت غرامت مال‌باختگان آن شده است، خود نمونه‌های بارزی از کاستی‌های نظام بازرسی درون‌شرکتی است که به نظر ما تدوین قوانین و مقررات روشن و شفاف و به‌رسمیت شمردن یک نهاد نظارتی برون‌شرکتی که از همه لحاظ مستقل باشد، می‌تواند بخش عمده‌ای از ابهامات مالی و غیرمالی شرکت‌های خصوصی را که امروزه از بازیگران و گردانندگان اصلی اقتصاد دولت‌ها هستند، مرتفع سازد.

اما آنچه که در عمل شاهد آن هستیم این است که قانون‌گذار ایرانی به‌علت نارسایی سیستم نظارتی درون‌شرکتی به‌جای پیدا کردن راه حل، سعی کرده به روش دیگری کاستی‌های موجود را جبران نماید و تلاش نموده با تدوین قوانینی، شرایط و ضوابط خاصی را برای انتخاب بازرسان پیش‌بینی کند. در این راستا، تبصره ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت و آئین‌نامه اجرایی آن، اختیارات سهام‌داران شرکت‌های سهامی عام را در انتخاب بازرسان محدود و آنان را مکلف کرده بازرسان یا بازرسان را از بین اشخاصی انتخاب کنند که کمیسیون دولتی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ قانون فوق‌الذکر صلاحیت آنان را تأیید کرده باشد. ماده ۱ آئین‌نامه مزبور نیز شرایط خاصی برای تصدی سمت بازرسی شرکت‌های سهامی عام تعیین نموده است که متأسفانه علی‌رغم وجود این آئین‌نامه به‌نظر می‌رسد که تا به امروز کنترل و نظارت مؤثری بر اجرای آن وجود نداشته است. در همین راستا و به‌منظور جبران کاستی‌های ناشی از سیستم نظارتی درون‌شرکتی، قانون‌گذار دست به تدوین قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابداران رسمی مصوب ۱۳۷۲ و آئین‌نامه تبصره ۴ آن مصوب ۱۳۷۹ نمود و در این قانون، بازرسی و نظارت بر شرکت‌های سهامی عام را صرفاً برعهده حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران گذاشت تا از این طریق تا حد امکان نظارت‌های دقیق‌تری بر عملکرد مدیران در شرکت‌ها صورت گیرد. اما همان‌گونه که پیشتر توضیح دادیم،

این سیستم نظارتی از نظر ما از مصادیق سیستم نظارتی بیرون شرکتی به حساب نمی‌آید. خلاصه کلام آن که قانون‌گذار داخلی مسأله بازرسی و نظارت را با موضوع حسابرسی یکسان تصور می‌کند و بازرسی در این قوانین، به نوعی معادل حسابرسی تلقی می‌شود. در حالی که در بسیاری از موارد، بازرسی نیازمند تخصص حقوقی یا فنی در رشته‌های مختلف است و محدود کردن آن به رشته حسابرسی صحیح به نظر نمی‌رسد. شاید این نارسایی و کمبودها باعث شد که قانون‌گذار در قانون شرکت‌های تعاونی با بصیرت بیشتر در خصوص شیوه‌های نظارتی بر مدیران، اقدام به تدوین قوانین نماید و در کنار سیستم نظارتی درونی، سیستم نظارتی بیرونی را پیش‌بینی و مستند به ماده ۵۰ قانون تعاون، اختیار بازرسی و نظارت را به نهادهای دولتی و هیئت‌های بازرسی و وزارت تعاون واگذار می‌کند^۱ که به نظر ما اگرچه با چیزی که در نظام حقوقی انگلستان مطرح است فاصله دارد، اما به سیستم نظارت بیرونی که در نظام حقوقی انگلستان مطرح است، بی‌شبهت نیست.

علاوه بر نهادهای قانونی که در بالا آورده شده، نهادهای شبه‌نظارتی بیرون از شرکت دیگری نیز در قوانین داخلی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به سازمان بورس اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکت‌ها اشاره نمود که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

۲.۱.۱.۱. سازمان بورس اوراق بهادار

سازمان بورس اوراق بهادار ایران که در سال ۱۳۴۵ تاسیس شده است، صرفاً به عنوان یک بازار سرمایه عمل می‌کند و قانوناً هیچ گونه اختیاری در تحقیق و تفحص در معاملات اوراق بهادار، آن‌گونه که سازمان بورس اوراق بهادار انگلیس یا کمیسیون اوراق بهادار و معاملات در آمریکا (SEC)^۲ یا نهاد نظارت بر بازار سرمایه (COB)^۳ در فرانسه اعمال می‌کند، ندارد. در سال‌های اخیر افزایش سوءاستفاده از اخبار و اطلاعات محرمانه که سبب بی‌اعتمادی مردم نسبت به معاملات سهام شرکت‌ها شده، سازمان بورس ایران را بر آن داشت که تدابیری جهت مقابله با سوءاستفاده‌های مذکور در نظر بگیرد. در این راستا، آئین‌نامه اجرایی انتشار اخبار معاملات براساس اطلاعات درونی در سال ۱۳۷۸ را به تصویب شورای عالی بورس رساند، اما از آنجایی که شورای

۱. حسنی، حسن، حقوق تعاونی‌ها، انتشارات سمت، ۱۳۹۲، ص ۱۷۱

2. Securities and Exchange Commission
3. Commission des operations de Boccyes

عالی بورس هیچ اختیاری برای ایجاد ممنوعیت‌های معاملات انجام شده ندارد و حق نظارت بر عملکرد مدیران را نیز قانون‌گذار به این نهاد اعطاء نکرده است، لذا از نظر ما سازمان بورس اوراق بهادار نیز هرگز نمی‌تواند به عنوان یک نهاد نظارتی بیرون سازمانی تلقی شود.

۲.۱.۱.۲. مرجع ثبت شرکتها

یکی از مراجع شبه‌نظارتی بیرونی، مرجع ثبت شرکتها است که تا حدودی بر عملکرد مدیران و شرکت نظارت دارد. موضوع ثبت شرکت و آگهی صورت‌جلسات و تصمیمات مهمی که به موجب قانون ثبت و آگهی آنها برای اطلاع عموم ضروری است، برعهده مرجع مذکور است و در این زمینه ایفاء نقش می‌کند. بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مرجع ثبت شرکتها تنها ثبت برخی از تصمیمات شرکا و شرکت را بر عهده دارد و این مرجع هرگز حق دخالت و نظارت به معنی اخص کلمه که مقصود ما در این نوشتار است را نداشته و حق ندارد نظارت‌های قانونی موردنظر را بر عملکرد مدیران انجام دهد.^۱ در نظام حقوقی انگلستان هدف و موضوع شرکت باید به‌صراحت در اساس‌نامه و اسناد شرکت قید شود و از این لحاظ نظارت شدیدی توسط مرجع ثبت شرکتها صورت می‌گیرد.^۲

۲.۱.۲. نظارت بر شرکتهای دولتی

شیوه نظارت بر عملکرد مدیران شرکتهای دولتی در نظام حقوقی ایران امری بیگانه نیست و قانون‌گذار سعی نموده با تاسیس نهادهای نظارتی مختلف مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور، سیستم نظارتی بیرون‌شرکتی را که در نظام حقوقی انگلستان مطرح است، در این‌گونه شرکتها اعمال نماید. مطابق قانون دیوان محاسبات، مصوب ۱۳۶۱ با اصلاحات بعدی، کنترل کلیه عملیات مالی وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکتهای دولتی برعهده این سازمان گذاشته شده و در کنار سازمان‌های نظارتی خود شرکتها، این نهاد نیز با اختیارات قضایی فراوان عهده‌دار مقابله با تخلفات مدیران شرکتهای دولتی است و احکام سنگینی مانند انفصال دائم یا جبران خسارت، صادر می‌کند. در کنار این نهاد نظارتی، سازمان بازرسی کل کشور نیز پیش‌بینی شده است که در بند الف ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، مصوب

۱. پاسبان، محمدرضا، همان، ص ۹۱.

2. Mayson S.W. French D.& Ryan C.L, Company Law, London, Blackstone press Ltd.,1993, p.57.

۱۳۶۰ با اصلاحات بعدی، نظارت و بازرسی مستمر بر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و نیروهای نظامی و انتظامی و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و غیره برعهده سازمان بازرسی گذاشته شده است. بنابراین سازمان بازرسی نظارت دقیق و مستمری بر شرکت‌های تجاری دولتی داشته و این سازمان از مصادیق بارز سازوکار نظارت از بیرون بر عملکرد مدیران تلقی می‌شود. بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود، در حقوق داخلی ایران سازوکار نظارتی برون‌شرکتی تنها درخصوص شرکت‌های دولتی پذیرفته شده و این موضوع درخصوص شرکت‌های تجاری خصوصی قابل اعمال نیست. این امر از آن جهت قابل توجیه است که مقررات قانون تجارت ایران برگرفته از نظام حقوقی فرانسه است و از آنجاکه این نظام حقوقی سازوکاری برای نظارت بر امور شرکت‌ها از بیرون مقرر نداشته است، قانون‌گذار ایرانی نیز در حقوق داخلی به تقلید از حقوق فرانسه، سیستم نظارتی برون‌شرکتی را نپذیرفته است.

۲.۲. روش‌های نظارتی در نظام حقوقی انگلستان

یکی از سیستم‌های حقوقی که روش نظارتی بیرون از شرکت در آن مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته است، سیستم حقوقی کشور انگلستان است که نهادهای نظارتی دولتی موجود در این کشور دارای اختیارات و وظایف وسیع و گسترده‌ای هستند و نظارت دقیق و حساب‌شده‌ای بر فعالیت‌های شرکت و امور مربوط به مالکیت سهام شرکت‌های عمومی را بر عهده دارند و شاید بتوان گفت که گام‌های اساسی در این کشور به منظور نهادینه کردن ساختار نظارتی بیرون‌شرکتی صورت گرفته و در این خصوص به مراتب جلوتر از سایر کشورها قرار دارند.^۱ شیوه نظارت بیرون‌شرکتی و مداخله دولت در امر نظارت بر امور شرکت‌ها با مالکیت خصوصی با همه محاسنی که دارد، بدون مخالفت نبوده و همین امر سبب گردید که برخی از متضررین، این نوع روش نظارتی را مخل آزادی سهام‌داران در کسب و تجارت در یک جامعه مبتنی بر اقتصاد آزاد تلقی کنند و از این‌رو از دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر درخواست کنند که مقررات ایجادکننده نهادهای نظارتی دولتی و نظارت نهادهای دولتی بر بخش خصوصی را مغایر با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بشمارد و بی‌اعتباری آن را اعلام نماید. دادگاه مذکور با بررسی موضوع

1. Paul L Davies, Gowers principles of Modern Company law, London, sweet and Maxwell, 1997, p.691

صراحتاً اعلام داشت که بازرسی و نظارت و اقدامات نهادهای دولتی برخلاف کنوانسیون حقوق بشر و ناقض مقررات آن تلقی می‌شود.^۱ اما این رأی تأثیری در اراده نهاد قانون‌گذاری در این کشور نگذاشت و سیستم‌های حقوقی آن‌ها همچنان بر این عقیده‌اند که مزیت‌های موجود در ساختار نظام نظارتی بیرون‌سازمانی به مراتب بیشتر از معایب آن است و در نتیجه نهادهای نظارتی دولتی مختلفی را به منظور نظارت دقیق بر عملکرد مدیران در نظر گرفته‌اند. وزارت صنعت و تجارت که به اختصار DTI نامیده می‌شود، از نمونه‌های بارز نهادهای نظارتی دولتی بر شرکت‌های تجاری با اختیارات بسیار وسیع برای بازرسی امور شرکت‌ها، مالکیت سهام و معاملات اوراق بهادار است که در قانون شرکت‌های انگلیس سال ۱۹۸۵ در بخش چهارده طی مواد ۴۳۱ الی ۴۵۳ به رسمیت شناخته شده و به منظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی، این بازرسان را از لحاظ مالی مستقل از شرکت در نظر می‌گیرد و سعی شده که آن‌ها حقوق و دستمزد خود را از شرکت دریافت نکنند و حق الزحمه بازرسان به طرق قانونی دیگری پرداخت شود.

این نهاد بازرسی در راستای انجام وظایف خود حق دارد تمام اسناد و مدارک شرکت را درخواست و مورد تفحص و بازرسی قرار دهد و به منظور بازرسی هرچه دقیق‌تر در اصلاحات قانونی سال ۱۹۸۹ نسبت به قانون شرکت‌ها، تلاش شده است که اختیارات مزبور به طور کلی گسترده‌تر گردد و در همین راستا قانون خدمات مالی ۱۹۸۶ به وزیر صنعت و تجارت اختیار تعیین بازرس جهت بررسی و نظارت بر مواردی را که مشکوک به انجام معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه است، اعطا نمود. به طور کلی اقدام به بازرسی امور شرکت برای DTI اختیاری است، مگر آنکه دادگاه دستور تحقیق و تفحص را صادر کرده باشد یا حداقل دویست نفر از سهام‌داران که ده درصد کل سرمایه شرکت را دارند، درخواست تحقیق و بازرسی را از DTI درخواست کرده باشند.^۲ در این صورت وزارت تجارت و صنعت، برای بررسی موضوع بازرسی را منصوب خواهد کرد و شرکای درخواست‌کننده را ملزم می‌کند که به منظور تأمین هزینه‌های بازرسی، مبلغ پنج‌هزار پوند بپردازند. علاوه بر موارد بالا، مطابق بند ۲ ماده ۴۲۳، در صورتیکه فعالیت شرکت به دنبال هدف نامشروعی باشد و یا به زیان گروهی از شرکا اقدام نماید، وزیر صنعت حق خواهد داشت

1. Jacqueline Wilkinson, company law, London, HLT publication, 1996, p.121

2. Department of Trade and Industry.

3. D.G. Crack ell, company law, London, HLT publication, 1993, p.232

رأساً بازرسی یا بازرسانی را جهت بررسی وضعیت شرکت مأمور کند. اما با توجه به آثار منفی‌ای که بازرسی‌های بیرون از شرکت می‌تواند به شهرت تجاری شرکت وارد آورد و آن را با بحران مواجه نماید، در قانون شرکت‌های سال ۱۹۶۷ اختیار داده شده تا در برخی از موارد نهادهای نظارتی بیرون شرکتی بررسی‌های خود و تحقیق و تفحص از شرکت را به طور غیررسمی و به دور از هرگونه سروصدایی دنبال نماید.^۱

به طور کلی اعمال نظارت و تحقیق نسبت به امور شرکت‌ها به دو طریق صورت می‌گیرد؛ یکی بازرسی به وسیله کارمندان DTI که این شیوه بازرسی صرفاً برای اسناد و مدارک شرکت انجام می‌شود و دیگری گماردن بازرسان جهت بررسی امور شرکت است. اختیار بررسی اسناد و مدارک شرکت صرفاً از طریق کارشناسان وزارت صنعت و تجارت انجام می‌شود که براساس شکایت واصله مبادرت به رسیدگی می‌نمایند. با وجود این در نظر گرفتن بازرسان برای اعمال اختیارات دوم از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. نصب و انتخاب مدیران اعلام عمومی می‌شود و در مورد شرکت‌های عام برای اطلاع عموم منتشر می‌گردد. به محض انتخاب بازرسان، مطابق با مقررات گفته شده در مواد ۴۳۱ و ۴۳۲، مدیران شرکت موظف به همکاری با بازرسان DTI، در انجام وظایف هستند و عدم همکاری یا ایجاد مانع بر سر راه تحقیق و تفحص بازرسانی که به درخواست دادگاه منصوب شده‌اند، در حکم اهانت به دادگاه است و مطابق مقررات مربوط به آن قابل مجازات خواهد بود.^۲ بازرسان این اختیار را دارند که مدیران و سایر اشخاصی را که اطلاعات آن‌ها در امر بازرسی مؤثر می‌دانند، ملزم کنند اسنادی را که در اختیار دارند ارائه داده یا در نزد آنان حضور یابند. همچنین شهودی که در نزد بازرسان حاضر می‌شوند، مشروط به آنکه سوالات بازرسان خارج از چارچوب تحقیقات مورد نظر نباشد، حق سکوت یا رد سوال را نخواهند داشت.

از دیگر نهادهای دولتی که در عرض وزارت تجارت و صنعت اقدام به بازرسی بر عملکرد شرکت‌ها می‌کند، سازمان بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری‌ها (SIB)^۳ است که به موجب قانون خدمات مالی مصوب ۱۹۸۶ در مواردی که دلایل معقولی وجود داشته باشد، این نهاد می‌تواند به بازرسی و تحقیق نسبت به امور یک شخص و تاجایی که به امور سرمایه‌گذاری او مربوط می‌شود،

1. Boyle and Birds, company law, Bath, Jordan and son Ltd, 1987, p.667

2. Desmond wright and Brian Creighton, Rights and Duties of Directors, London, Butterworth, 1991, p.79

3. Securities and Investment Board

اقدام نماید. SIB در راستای انجام بازرسی و انجام تحقیق از یک شخص می‌تواند به او و اشخاص وابسته به او دستور دهد که در زمان و مکان تعیین شده حضور یابند و به سؤالات مطرح شده پاسخ دهند و اسناد لازم و مرتبط را ارائه نمایند. عدم همکاری با SIB از سوی اشخاص مورد بازرسی، جرم است و به موجب ماده ۱۰۵ قانون خدمات مالی ۱۹۸۶، برای متخلف مجازات پیش‌بینی شده است.

سازمان بورس اوراق بهادار نقش مهمی در تنظیم بازار اوراق بهادار دارد و به‌منظور نظارت هرچه بهتر بر عملکرد شرکت‌های تجاری، قانون‌گذار دو وظیفه اصلی و مهم را بر عهده این نهاد گذاشته است. تدوین و اعلام مقرراتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و نحوه انجام معاملات سهام آنها و دیگری نظارت و مراقبت نسبت به معاملات انجام شده در بورس و جلوگیری از سوءاستفاده اشخاص داخلی شرکت، مانند استفاده مدیران از اطلاعات محرمانه، دو وظیفه مهم و اساسی است که قانون‌گذار بر عهده SIB گذاشته است. این وظیفه نظارتی توسط سازمان بورس اوراق بهادار به وسیله واحد نظارت سازمان بورس اوراق بهادار اعمال شده و این واحد وظیفه شناسایی موارد مظنون به معاملات اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه را دارد و در این راستا، قانون‌گذار اختیار بازرسی و تحقیق نسبت به تخلفات انجام شده را اعطاء نموده است. SIB و به معنای دقیق‌تر واحد نظارت SIB، اصولاً نسبت به معاملاتی اقدام به تحقیق و تفحص می‌نماید که ارزش سهام شرکت کاهش یا افزایش غیرمعارفی داشته باشد.

قانون‌گذار علاوه بر اختیار تحقیق و تفحص که پیش‌تر به آن اشاره شد، اختیار طرح دعوای کیفری را نیز به واحد نظارت سازمان بورس اوراق بهادار اعطاء نموده و این سازمان حق دارد که در مواردی که مقتضی و مناسب تشخیص می‌دهد، به نام خود اقدام به طرح دعوای کیفری علیه شخصی که با استفاده از اطلاعات محرمانه معامله‌ای انجام داده و مرتکب جرم گردیده، نماید. اصولاً این سازمان تمرکز فعالیت‌های خود را بر شناسایی موارد مشکوک و گزارش آنها به DTI، که نهاد اصلی نظارت بر عملکرد شرکت‌ها است، محدود کرده است و در موارد بسیار محدود اقدام به طرح دعوای کیفری می‌نماید. از نمونه‌هایی که سازمان نظارت بورس اوراق بهادار اقدام به طرح دعوا نموده است می‌توان به پرونده R.v. Colleir 1987 اشاره نمود که در این پرونده، کلیر که یکی از مدیران بانک تجاری «مرگان گرن فل» بود، با راه‌های غیرقانونی به اطلاعات

محرمانه و منتشر نشده‌ای در خصوص انتقال سهام شرکت ماشین‌سازی AE دست یافته بود و بر این اساس از طریق کارگزاران بورس لندن سهم این شرکت را خریداری نمود. مدتی بعد از خرید این سهام، انتقال سهام AE اعلام عمومی و منتشر گردید. همین عمل کافی بود تا قیمت سهام به شدت افزایش یابد. اندکی پس از آنکه قیمت سهام به اندازه کافی افزایش پیدا کرد، کلیر به نمایندگی خود دستور فروش سهام را داد و از این طریق درآمد فراوانی کسب نمود. واحد نظارت بورس از این خرید اطلاع یافت و با توجه به نحوه خرید و فروش سهام AE، نسبت به آن مشکوک شد و اقدام به انجام تحقیق نسبت به هویت خریداران اصلی نمود. با تحقیقات به عمل آمده معلوم شد که کلیر و همسرش مدیران شرکتی هستند که خرید و فروش برای آنها انجام شده است. پس از طرح دعوی علیه کلیر به لحاظ سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه در معاملات اوراق بهادار، وی پذیرفت که بر اساس اطلاعات محرمانه عمل نموده و در نتیجه دادگاه نامبرده را به دوازده ماه زندان و پرداخت ۲۵۰۰ پوند جزای نقدی و ۷۰۰۰ پوند بابت هزینه تحقیق و دادرسی محکوم نمود.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در کنار وظیفه تحقیق و تفحص از شرکت‌های تجاری، سازمان بورس اوراق بهادار وظیفه تدوین قوانین و مقررات مرتبط با امر سرمایه‌گذاری را نیز برعهده دارد و می‌تواند نقشی مهم و حیاتی در تنظیم بازار سرمایه و مراودات مالی مدیران در شرکت‌ها داشته باشد. قانون خدمات مالی مصوب ۱۹۸۶ به سازمان بورس اختیار تهیه و تحمیل قواعدی برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس را اعطا نموده و امروزه این قواعد در کتابی تحت عنوان کتاب زرد سازمان بورس اوراق بهادار منعکس شده است. این مقررات تکالیف و وظایف متعددی را برای شرکت‌های مزبور و مدیران و گردانندگان آن جهت شفافیت هرچه بیشتر بازار سرمایه و جلوگیری از تقلب نسبت به سرمایه‌گذاران ایجاد نموده است.

علاوه بر مقررات مذکور، سازمان بورس اوراق بهادار مقررات دیگری نیز دارد که به عنوان «مقررات نمونه سازمان بورس اوراق بهادار برای معاملات اوراق بهادار مدیران» پیش‌بینی کرده است. این مقررات مستقیماً برای مدیران الزام‌آور نیست، اما مدیران شرکت پذیرفته‌شده در بورس مکلف هستند که در معاملات اوراق بهادار خود از این نمونه تبعیت کنند. در کنار این سازمان‌ها در نظام حقوقی انگلیس، سازمان‌های نظارتی دولتی دیگری نیز وجود دارد که در زمینه‌های

خاصی از امور شرکت‌ها انجام وظیفه می‌کند که از جمله این سازمان‌ها می‌توان به سازمان انتقال و ادغام اشاره نمود.

چگونگی تأمین هزینه‌های بازرسی از موضوعات بسیار مهمی است که می‌تواند بر روش و نوع گزارش بازرسان تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر یکی از نقدهایی که همواره به سیستم نظارتی درون شرکتی وارد می‌شود، این بود که چون بازرسان شرکت‌ها از لحاظ حقوق و مزایا به نوعی به شرکت و مدیران شرکت وابستگی مالی دارند، همواره این نگرانی وجود داشته که بازرسان نتوانند آن‌گونه که شایسته و بایسته است در امور نظارت بر شرکت‌ها انجام وظیفه نمایند. قانون‌گذار انگلیسی سعی کرده که این ایراد مهم و اساسی را با پیش‌بینی نهاد نظارتی برون‌شرکتی و قطع مرادفات مالی بازرسان با شرکت، تا حدود زیادی بازرسان را در تدوین گزارش‌های خود مستقل‌تر از قبل نمایند و هرگونه شک و شبهه‌ای را در تدوین این قوانین به حداقل ممکن برساند. در این راستا قانون‌گذار تصریح کرده است که هزینه‌های بازرسی در وهله اول توسط وزارت تجارت و صنعت، که توسط پارلمان تأمین می‌شود، پرداخت خواهد شد و به این وزارتخانه این حق داده شده که برای مطالبه هزینه‌ها، به شخص یا اشخاص مسئول مراجعه نماید. در این خصوص ماده ۴۳۹ تصریح می‌کند که شخصی که در نتیجه تعقیب قانونی ناشی از بازرسی و تحقیق در دادگاه محکوم گردد یا به حکم دادگاه ملزم به پرداخت هزینه‌های دادرسی شود، در همان دادرسی مکلف به تأدیه هزینه‌های بازرسی به میزان مقرر در حکم محکوم خواهد شد و همچنین در فرضی که تقاضای بازرسی و تحقیق به درخواست سهام‌داران یا خود شرکت باشد، این افراد باید هزینه‌های مورد نیاز را تأمین نمایند.

تأمین هزینه‌های دادرسی و تحقیق و تفحص از شرکت‌ها در نظام حقوقی داخلی ایران، تا حدودی شبیه قانون انگلستان است، با این تفاوت که قانون‌گذار ایرانی در ماده ۲۷۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت در این مورد اظهار داشته است که «شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک‌پنجم مجموع سهام شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت مدیره یا مدیر عامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل اقامه دعوا نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه نمایند. در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیئت مدیره یا

مدیر عامل به جبران خسارت شرکت و پرداخت هزینه دادرسی، حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوا پرداخت شده از مبلغ محکوم‌به، به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوا پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات برعهده آنان است.

نتیجه‌گیری

امروزه گسترش فعالیت‌های تجاری در قالب شرکت‌های تجاری بر کسی پوشیده نیست و در نتیجه تدوین قوانین کارآمدی که بتواند به نحو مطلوب بر عملکرد مدیران شرکت‌های تجاری نظارت نماید بیش‌ازپیش احساس می‌شود و اگر این مهم نادیده گرفته شود، بدون تردید آثار سوء و جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت. از بین روش‌های حاکم بر نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های تجاری که در لایحه اصلاحی قانون تجارت ایران مورد شناسایی قرار گرفته است، فقط نظارت درون‌سازمانی پیش‌بینی شده و در خصوص نظارت برون‌سازمانی جز در شرکت‌های تعاونی، سخنی به‌میان نیامده است. در روش درون‌شرکتی، مجمع عمومی از بین سهام‌داران یا از خارج، شخص یا اشخاصی را که علی‌الصول لازم نیست تخصص مورد نیاز در زمینه بازرسی داشته باشند، انتخاب می‌کنند که همین امر علی‌الصول اسباب فراهم‌شدن زمینه سوءاستفاده‌های احتمالی فراوان در آینده را با خود به همراه خواهد داشت. در نهایت همین کاستی‌های موجود در سیستم نظارتی درون‌شرکتی، حقوق‌دانان انگلیسی را مجاب نمود که در کنار سیستم نظارتی درون‌شرکتی، نظارت بیرون‌شرکتی را نیز به رسمیت بشناسند و قواعد حاکم بر آن را تدوین نمایند؛ چرا که آن‌ها به‌خوبی متوجه شده بودند که پذیرش تئوری اختیارات وسیع و گسترده برای مدیران شرکت‌های تجاری، لاجرم زمینه را برای سوءاستفاده‌های احتمالی آنان فراهم می‌کند و با توجه به عدم کفایت و تخصص بازرسان منتخب مجامع در امر نظارت و بازرسی و همچنین فقدان انگیزه و توانایی لازم برای هریک از سهام‌داران برای اعمال نظارت مستقیم بر عملکرد مدیران شرکت‌ها، سوءاستفاده‌های مالی احتمالی مدیران آهسته‌آهسته اعتماد عمومی به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های مذکور را کاهش داده و این امر آسیب‌های جدی بر اقتصاد سرمایه‌داری کشورها وارد خواهد کرد. به‌همین منظور برخی از کشورها هم‌سو و هم‌راستا با نظام حقوقی انگلستان دست به اصلاح قوانین تجاری خود زده و در کنار سیستم نظارتی درون‌شرکتی، سیستم نظارتی بیرون‌شرکتی را نیز به رسمیت شناختند. این مهم از دیدگاه قانون‌گذار ایرانی مغفول مانده و در لایحه جدید قانون تجارت که در دست تدوین است، به‌علت غلبه تفکرات فرانسوی، سیستم نظارت برون‌شرکتی به رسمیت شناخته نشده که انتظار می‌رود قانون‌گذار با دقت نظر بیشتری به این موضوع بپردازد. حال با توجه به مجموع این استدلال‌ها و محاسن

حاکم بر سیستم نظارتی بیرون شرکتی، به نظر ما پیش‌بینی نهاد نظارتی مستقل و متخصص در لایحه جدید قانون تجارت که بتواند بر عملکرد مدیران شرکتهای نظارت نماید، اگر در همه اقسام شرکتهای لازم دانسته نشود، حداقل در برخی از شرکتهای مهم و با سرمایه کلان می‌تواند مثمر ثمر باشد و سوءاستفاده‌های احتمالی مدیران را به حداقل ممکن برساند. این مهم تحقق نخواهد یافت مگر آنکه قانون‌گذار با تدوین قوانین و مقررات شفاف مشکلات و کاستی‌های نظام بازرسی درون شرکتی را مرتفع نماید. به نظر می‌رسد قانون‌گذار می‌تواند در کنار نظام درون شرکتی، نظام برون شرکتی را نیز به رسمیت بشناسد و حداقل در شرکتهایی که تعداد سهام‌داران آنها بیش از پانصد نفر است یا با درخواست یک‌پنجم سهام‌داران شرکت یا با درخواست ده درصد از سهام‌داران، نهادهای بازرسی برون شرکتی که از لحاظ مالی مستقل از شرکت هستند را جهت نظارت و بازرسی این‌گونه شرکتهای منصوب نماید. عملیاتی نمودن چنین تفکراتی بدون تردید نه تنها برای سهام‌داران بلکه برای دستگاه حکومتی نیز مفید و مثمر ثمر است و ضمن کاهش آمار پرونده‌ها در محاکم، معضلاتی همچون جبران خسارت‌های سپرده‌گذاران موسسات مالی که امروزه به یک معضل برای دولت‌ها تبدیل شده است را نیز به حداقل ممکن خواهد رساند.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. اسکینی، ربیعا، *شرکتهای تجاری*، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷
۲. بهرامی، بهرام، *حقوق تجارت کاربردی*، چاپ سوم، ۱۳۸۵
۳. پاسبان، محمدرضا، *بازبینی نظام بازرسی در شرکتهای تجاری ایران بررسی تطبیقی با حقوق انگلستان*، فصلنامه حقوق و سیاست، ۱۳۸۴
۴. پاسبان، محمدرضا، *حقوق شرکتهای تجاری*، انتشارات سمت، ۱۳۸۷
۵. تفرشی، محمد عیسی، *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری*، ج ۱، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸
۶. تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، ج ۲، نشر دادگستر، ۱۳۷۵
۷. حسینی، حسن، *حقوق تعاونیها*، انتشارات سمت، ۱۳۹۲
۸. کاویانی، کورش، *حقوق شرکتهای تجاری*، انتشارات میزان، ۱۳۹۱
۹. عرفانی، محمود، *حقوق تجارت به زبان ساده*، انتشارات نشر میزان، ۱۳۸۷

منابع لاتین

10. Paul L Davies, *Gowers principles of Modern Company law*, London, sweet and Maxwell, 1997
11. Jacqueline Wilkinson, *company law*, London, HLT publication, 1996
12. D.G. Crack ell, *company law*, London, HLT publication, 1993
13. Boyle and Birds, *company law*, Bath, Jordan and son Ltd, 1987
14. Desmond wright and Brian Creighton, *Rights and Duties of Directors*, London, Butterworth, 1991
15. Mayson S.W. French D.& Ryan C.L., *Company Law*, London, Blackstone press Ltd., 1993